

احوال و آثار قتیل

ماه ناز*

محمد حسن قتیل، شاعر فارسی‌گویی نامور و نویسنده‌ای برجسته و پژوهنده بود. وی به یکی از خانواده‌های هندوی کهنتری بهنداری تعلق داشت، ولی درباره تاریخ تولد، وطن و احوال ابتدایی وی اختلاف هست.^۱

آغا حسین قلی خان عاشقی درباره خانواده قتیل و احوال ابتدایی او می‌نویسد:
"آبا و اجدادش در ایالت پنجاب، پتیاله، زندگی کرده بودند. بعد از مدتی دراز جدش سومی صورت سینگ ره‌ایش، موروثی خود را ترک کرد و به باغپت منتقل شده بود که هفده کوس از دهلی است، جد و پدر قتیل در این شهر متولد شدند. وقتی که جد قتیل درگذشت، پدرش درگاهی مل در سال ۱۱۴۸ هـ/ ۱۷۳۶ م. در داسنه سکونت اختیار کرد که به فاصله دوازده کوس^۲ از دهلی واقع است. بعداً درگاهی مل را یک هم مکتبی نواب هدایت علی خان به دهلی دعوت کرد. وی ایالت شاهجهان‌آباد را برای مستأجری اخذ کرده بود. نواب آن را خوب دلجویی و چاره‌سازی کرد. درگاهی مل به سبب ملازمت سرکاری و قربت دربار شاهی، یک زندگی ثروتمندانه بسرکرد. در سال ۱۱۷۲ هجری برابر

* استادیار مهمان بخش فارسی دانشگاه لکهنو.

۱. قدرت گوپاموی، محمد قدرت الله: نتایج‌الافکار، ص ۵۷۳، طبع بمبئی؛ نیز صدیق حسن خان: شمع انجمن، ص ۳۹۰، چاپ بهوپال.

۲. کوس (با فتح ک): در اردو برابر با ۴۰۰۰ گز است.

با ۱۷۵۹ م. یک کودک در خانه درگاهی مل چشم به جهان گشود. وی را دیوانی سینگ نامیده بود. تحصیلات ابتدایی را در همان شهر به بیابان رسانید. تا هفده سالگی به تحصیل علوم صرف و نحو و منطق و حکمت و معانی و بیان و بدیع و ریاضی و عروض و عربی و فارسی پرداخت. او مطالعه ادبیات را تحت حمایت و راهنمایی میرزا محمد باقر کرمانشاه شهید ادامه داد. در سن چهارده سالگی از فیض صحبت او مذهب آبایی را ترک کرد و مشرف به اسلام شد و خود را محمد حسن نامید. وی تغییر مذهب خود را پوشیده داشت. در هفده سالگی این راز بر عزیزان و اهل خانواده آشکار کرد و از آنها کناره گرفت و تا آخر حیات زندگی مجرد اختیار کرد.^۱

سید اسد علی انوری فریدآبادی در یک مقاله ادعا کرده است که خانواده میرزا محمد حسن قتیل تا الآن در فریدآباد به فراغت و آسودگی زندگی می‌کنند^۲ (۳) و دیگر سوانح‌نگاران قتیل را منسوب به پتیاله یا به پتیالی یا به لاهور کرده‌اند^۳، دکتر مختارالدین احمد در مقاله مدلل خود که در روشنائی منابع چاپ و بدون چاپ نوشته شده بود^۴، در این اقوال تردید کرده است، ولی در این قول تردید نیست که قتیل در دهلی متولد شد^۵، چون وی خود گفته است:

گر چه باشد مولد من خاک دهلی ای قتیل!

کم کس چون من زیزد و ایزدان برخاست است

-
۱. عاشقی عظیم‌آبادی، حسین قلی خان: نشتر عشق، ج ۲ (نسخه قلمی)، بانکی پور پتنا، به حواله معاصر، ج ۴.
 ۲. اسد علی انوری، قتیل کا وطن، مجله نگار (لکهنو)، جلد ۴۱، شماره ۵.
 ۳. رام بابوسکسینه (مصحح)، مرقع شعرا، چاپ دهلی.
 ۴. مجله نقوش لاهور، ادب عالیہ نمبر مارچ ۱۹۵۳ م.
 ۵. هندی لکهنوی، بهگوان داس، سفینه هندی، ص ۱۷۲.

تعلیم و تغییر مذهب در دهلی واقع شد. به قول آغا حسین قلی خان عاشقی محمد حسن قتیل مذهب اثنا عشری عقیده دارد.^۱ این قول از عقل دور نیست، چونکه وی تربیت یافته محمد باقر شهید و خادم نجف خان^۲ ذوالفقارالدوله بود. بعداً وی با حکمران اوده روابطی پیدا کرد. آنها هم عقاید تشیع دارند. لذا ممکن است که قتیل بر بنای مصالحت، وقتی مذهب اثنا عشری اختیار کرده باشد؛ چونکه غلام همدانی مصحفی^۳ در این عبارت اشاره کرده است:

”بسکه در عهد نواب وزیر مرحوم، رواج ایرانیان بیشتر بود، مشارالیه هم دیده، همین مذهب اختیار کرده“^۴.

در حدود ۱۱۹۰ هجری برابر با ۱۷۷۷ م. قتیل در لشکر ذوالفقارالدوله نجف خان شریک شده بود و در دهلی و حوالی دهلی زندگی می‌کرد.^۵ این تعلق با نجف خان تا زمان مرگش، یعنی سال ۱۱۹۶ هجری، برابر با ۱۷۸۲ م. باقی مانده بود. دوران اقامتش در دهلی، قتیل در مشاعره‌ها شرکت می‌کرد که در عهد نجف خانی در خانه مصحفی منعقد می‌شد. در این زمانه قتیل، مصحفی را به نوشتن تذکره شعرای فارسی به نام «عقد ثریا» ترغیب کرد^۶ و در فراهم کردن مواد هم به او کمک کرد.

قتیل از سال ۱۱۹۸ هجری برابر با ۱۷۸۳ م. از لشکر نجف خان ترک تعلق کرده، به لکهنو روی آورد و تا دم آخر در آنجا توطن داشت، بجز چند سفر برای مدت قلیل از لکهنو بیرون نرفت. ابوطالب اصفهانی گفته است که قتیل در سال ۱۲۰۷ هجری برابر

۱. عبرتی عظیم‌آبادی، وزیر علی: ریاض الافکار (قلمی)، ۱۲۶۸ هـ/۱۸۵۲ م، برگ ۵۳ الف.
۲. نجف خان شیعه عالی بود (ملفوظات شاه عبدالعظیم دهلوی) کسی که از عقیده او اختلاف دارد، نمی‌توانست که دائره احباب او شریک شود.
۳. مصحفی یک شاعر نامور و انشاپرداز بود.
۴. ابواللیث صدیقی: مصحفی اوران کا کلام، ص ۸۹.
۵. مصحفی همدانی امروهوی، شیخ غلام: عقد ثریا، ص ۲.
۶. همان.

با ۱۷۹۳ م. در لکهنو مقیم بود.^۱ قتل خودش در سال ۱۲۱۲ هجری برابر با ۱۷۹۸ م. ملاقات خود را با خواجه محمد علی تمنا در مکان عبدالقادر خان ذکر کرده است.^۲ در سال ۱۲۱۵ هجری برابر با ۱۸۰۱ م. وی در خدمت نواب عمادالملک به کالیپی روانه شده بود و تا ۱۲۱۷ هجری برابر با ۱۷۰۳ م. در آنجا اقامت ورزید.^۳ در سال ۲۲-۱۲۲۱ هجری برابر با ۷-۱۸۰۶ م انشاءالله خان انشا (م: ۱۲۳۳/هـ/۱۸۱۸ م) «دریای لطافت» را نوشت. فصل آخر آن را که مشتمل بر معنی و بدیع بود، قتل تصنیف کرد.^۴ در سال ۱۲۲۹ هجری برابر با ۱۸۱۴ م. وقتی که عبدالقادر خان غمگین^۵ سفر لکهنو کرد، در آن وقت هم میرزا قتیل در محفل سخن، جلوه‌افروز بود. غمگین نوشته است:

”روزی در محفل مشاعره که در آن ایام به خانه میرزا جعفر بود، رفتم. میرزا محمد حسن متخلص به قتل و مصحفی و میر نصیر دهلوی در آن زمره از سرکردگان به شمار می‌آمدند و شیخ امام بخش ناسخ را در آن ایام روزافزونی و ناموری در این کار بود“.^۶

در سال ۱۲۳۱ هجری برابر با ۱۸۱۶ م. قتل دوباره سفر کالیپی کرد،^۷ ولی مدت اقامت او زیاد نبود. بعد از برگشتن به لکهنو در دربار نواب سعادت علی خان حاضر

۱. ابوطالب تبریزی اصفهانی، میرزا ابوطالب خان بن حاجی محمد بیگ خان: خلاصه الافکار (نسخه قلمی)، ۷-۱۲۰۵ هجری، کتابخانه مرکزی دانشگاه دهلی، دهلی.
۲. قتیل دهلوی، میرزا محمد حسن (حسین): هفت تماشای قتیل، مترجم: دکتر محمد عمر، چاپ مکتبه برهان دهلی، ص ۱۸.
۳. حسن خان، سید محمد صدیق: شمع انجمن، چاپ بهوپال، ص ۳۹۰.
۴. انشای دهلوی، سید انشاءالله بن ماشاءالله جعفری نجفی: دریای لطافت، چاپخانه آفتاب عالمتاب، مرشدآباد، ص ۱۸.
۵. شوق، احمد علی: تذکره کاملان رامپور، ص ۵-۲۳۴.
۶. روزنامه عبدالقادر غمگین رامپوری (نسخه قلمی) در کتابخانه حبیب گنج، نقل این نسخه در کتابخانه رضا هم موجود هست.
۷. قتیل دهلوی، میرزا محمد حسن (حسین): مظهرالعجایب، دیباچه، چاپخانه منشی نول کشور، لکهنو.

شد و جایگاهی معزز یافت. ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۲۳۳ هجری برابر با ۱۸۱۷ م.، روز شنبه از دار فانی کوچ کرد^۱، و در لکهنو مدفون شد، ولی حوادث زمانه هیچ اثری از قبر او باقی نگذاشت.

از تذکره‌های گوناگون تصویر سیرت قتیل این طور نمایان می‌شود که او آزادمنش، وضع قلندرانه، طبع ساده، عاشق مزاج، خوشخو، حریف و ظریف، یارباش، و دلداده سیر و سیاحت بود. او اسباب دنیا فراهم نکرد. مؤلف مخزن‌الغرایب درباره قتیل این طور نوشته است:

”فقیری کسی را در لطافت طبع وجودت ذهن و استقامت عقل و لزوم قناعت و تجرد و خوش گذرانیدن، مانند ایشان ندیده‌ام. هیچگاه تلاش دنیا نکرده، خانه بدوش، قلندرانه به لباس کم بها زیست می‌نماید. هرگز دربند شیخی نبوده، از علاقه دنیا تا دوات و قلم که از لازمه اهل علم است، همراه خود ندارد. این همه بی‌تعلقی از لاچاری (نیست)، بلکه به استغنائی طبع است. اکثر بزرگان مثل... نواب آصف‌الدوله مرحوم و دیگر عزیزان در حدود تربیت او درآمده‌اند و او سرباز زده و تن بکر و فر نداده، رویه‌ای که اختیار نموده از آن برنگشته“^۲.

عاشقی هم درباره نظم و نثر قتیل نوشته است:

”امروز در هندوستان کسی هم زبان آن جناب نیست“^۳.

حال آنکه هیچ اولاد جسمانی از قتیل پیدا نشده بود، ولی اولاد معنوی قتیل هنوز زنده‌اند. تعداد تصانیف وی زیاد است. یک معرفی کوتاه از آنها به قرار زیر است:

۱. عبرتی عظیم‌آبادی، وزیر علی: ریاض‌الافکار (قلمی)، برگ ۵۳ الف.
۲. هاشمی سندیلوی، احمد علی خان، مخزن‌الغرایب (قلمی) این نسخه قلمی در کتابخانه حبیب گنج، علیگره موجود است.
۳. عاشقی عظیم‌آبادی، حسین قلی خان: نشتر عشق، حصه دوم، به حواله معاصر، ص ۴.

۱- دیوان فارسی

تعداد اشعارش تقریباً پنج هزار است. به قول عاشقی: "دیوان غزل و جنگ نثرش قریب پانزده هزار بیت بود". این اثر هنوز چاپ نشده است. نسخه‌های قلمی آن در کتابخانه‌های گوناگونی هند موجود هستند.

۲- چار شربت

در این کتب قواعد فارسی، مصطلحات، زباندانی و محاوره اهل فارس است. زمانه تألیف آن تقریباً ۱۲۲۸ هجری است و در چاپخانه محمدی، لکهنو چاپ شده است.

۳- نهرالفصاحت

در این مجله کوتاه دستور زبان فارسی و اصول بلاغت و انشا و غیرهم است. این اثر اولین بار در سال ۱۲۲۸ هجری، در چاپخانه مصطفایی کانپور چاپ شده است. شماره برگهای آن سی و هشت و برده موج مشتمل است:

موج اول: در تعلیم بعضی چیزها که ترک آن واجب و مستحسن است (خصوصاً نقایص فارسی هند و دیگر واژگان و اصطلاحات که بر طرز زبان هندی و شیوه

لهجه هندی ساخته شده بود)؛

موج دوم: در بیان استعمال افعال؛

موج سوم: در بیان واجبات و مستحسنات؛

موج چهارم: در زواید واجبی؛

موج پنجم: در بیان مرکبات؛

موج ششم: در بیان مقدرات محدودفات؛

موج هفتم: در علم بیان؛

موج نهم: در بیان فرق در اشعار متقدمین و متأخرین و نثر هندیان و اهل زبان؛

موج دهم: در تعلیم طریق تحریر نثر.

۴- معدن الفوائد

این مجموعه رقعات میرزا قتیل به نام شاگرد خواجه امام‌الدین امامی است که در سال ۱۲۳۲ هجری برابر با ۱۸۱۷ م. خواجه خود این رقعات را یکجا کرده بود. در آنها چیزهای خیلی کارآمد درباره زندگی قتیل و معاصرین او بود. این کتاب در سال ۱۸۸۱ میلادی در چاپخانه منشی نولکشور چاپ شده است.

۵- شجرة الامانی

قتیل این کتاب را به فرمان میر امان علی برای پسرش میر محمد حسین نوشته است.

۶- ثمرالبدايع

این هم به بلاغت و فن و انشاء فارسی تعلق دارد و در سال ۱۲۶۳ هجری در چاپخانه محمدی لکهنو چاپ شده است.

۷- مظهرالعجایب

در سال ۱۲۳۱ هجری برابر با ۱۸۱۶ م. در کالپی نوشته شده و در چاپخانه منشی نول کشور چاپ شده است.

۸- حدیقة الانشاء

این کتاب مفقود است.

۹- دریای لطافت

تألیف میر انشاءالله انشا (م: ۱۲۳۳ هـ/ ۱۸۱۸ م) است که در سال ۱۲۲۳ هجری برابر با ۱۸۰۹ م. نوشته شده و بخش آخر آن را که مشتمل بر معانی و بیان و بدیع و عروض و منطق است، قتیل نوشته بود. این کتاب (مترجم برج موهن و تاتریه کیفی) در چاپخانه انجمن در سال ۱۹۳۵ میلادی چاپ شده است. بخش آخرین این کتاب از صفحه شماره ۳۵۹ شروع می‌شود.

۱۰- هفت تماشا

تصنیف روزهای آخرین زندگی قتیل است و یک تاریخ و زندگی‌نامه است. در این تصنیف معاشرت هند شمالی را به طور کامل می‌توان دید. چنانکه از نام آن ظاهر است، هفت تماشا (یعنی ابواب) دارد:

تماشای اول: در ذکر سمارتکان و بعضی تحقیقات متعلق به بیان؛

تماشای دوم: در بیان وجود گرفتن آدمی و کیفیت انقسام افراد و فرق با تباین ملل و تحریف معتقدات؛

تماشای سوم: در شرح اعتقادات فرق هندوانی که از شریعت بیرونند؛

تماشای چهارم: در ایام متبرکه مختصه به این فرقه با اصالت است؛

تماشای پنجم: در تقیه رسوم این گروه به تحریر؛

تماشای هفتم: در کاشتن تخم لفظ و معنی در زمین نگارش احوال عجیبه^۱.

در این ابواب روایات دومالائی هند، اعتقادات عامه و جهلا، رسومات عامه، مثلاً نذر و نیاز، روابط باهمی یا درباره زندگی قتیل معلومات کارآمدی یافته می‌شود.

منابع

۱. ابواللیث صدیقی، مصحفی اوران کا کلام.
۲. ابوطالب تبریزی اصفهانی، میرزا ابوطالب خان بن حاجی محمد بیگ خان: خلاصه الافکار (نسخه قلمی)، ۷-۱۲۰۵ هجری، کتابخانه مرکزی دانشگاه دهلی، دهلی.
۳. اسد علی انوری، قتیل کا وطن (اردو)، مجله نگار (لکهنو).
۴. انشای دهلوی، سید انشاءالله بن ماشاءالله جعفری نجفی: دریای لطافت، چاپخانه آفتاب عالمتاب، مرشدآباد، ۱۲۲۳/هـ ۱۸۰۹ م.

۱. قتیل دهلوی، میرزا محمد حسن (حسین): هفت تماشای قتیل، ص ۶-۵.

۵. حسن خان، سید محمد صدیق: شمع انجمن، مطبع شاهجهانی، بهوپال، ۱۲۹۳ هجری.
۶. رام بابو سکسینه (مصحح)، مرقع شعراء، چاپ دهلی.
۷. شوق، احمد علی: تذکرہ کاملان رامپور.
۸. عاشقی عظیم آبادی، حسین قلی خان: نشتر عشق (نسخہ خطی)، بانکی پور، پتنا، ۱۹۹۳ م. شماره ۷۱۶، ج ۸، ص ۱۵۷.
۹. عبرتی عظیم آبادی، وزیر علی: ریاض الافکار (قلمی)، ۱۲۶۸/۵ ۱۸۵۲ م.
۱۰. قتیل دهلوی، میرزا محمد حسن (حسین): مظهرالعجایب، دیباچہ، چاپ در چاپخانہ منشی نول کشور، لکھنو
۱۱. قتیل دهلوی، میرزا محمد حسن (حسین): ہفت تماشای قتیل، مترجم: دکتر محمد عمر، چاپ مکتبہ برہان دہلی.
۱۲. قدرت گوپاموی، محمد قدرت اللہ: نتایج الافکار، مطبع سلطانی، بمبئی، ۱۳۷۷ ہجری.
۱۳. مصحفی ہمدانی امروہوی، شیخ غلام: عقد ثریا، چاپ اورنگ آباد، ۱۹۳۴ م.
۱۴. ہاشمی سندیلوی، احمد علی خان، مخزن الغرایب (قلمی) کتابخانہ حبیب گنج، علیگرہ.
۱۵. ہندی لکھنوی، بہگوان داس، سفینہ ہندی، تنظیم کنندہ سید شاہ محمد عطاء الرحمن عطا کاکوی، پتنا، ۱۹۵۸ م.
۱۶. روزنامچہ عبدالقادر غمگین رامپوری (نسخہ قلمی) در کتابخانہ حبیب گنج، علیگرہ.
۱۷. مجلہ نقوش لاہور، ادب عالیہ نمبر مارچ ۱۹۵۳ م

